



Designing a Sexual Education Curriculum Model for Middle Schools: A Model Based on Grounded Theory

Zohreh Ghalavand^{*,1}

¹ Assistant professor. Department of Educational Sciences, payame Noor university, Iran

Corresponding author: zohreh.ghalavand@pnu.ac.ir Received:2022/08/03 Accepted:2023/03/14

Abstract

Background and Objectives: The present study aimed to design a sexual education curriculum model for middle schools in the education system.

Methods: This study was of qualitative studies based on grounded theory. The population included all sexual education experts who were selected through targeted sampling of snowball type and finally a total of 15 subjects were selected for interview. The data were analyzed through semi-structured interviews during three steps of open, axial, and selective coding being presented in the form of a paradigmatic and conceptual model: paradigmatic model was as causes (necessity, objectives), underlying conditions (time , space, materials, and resources), intervening conditions (organizational factors, implicit learning), axial (content), strategies (teacher role, teaching-learning techniques, evaluation), and outcomes (knowledge, skills, attitudes) . In order to provide validity and reliability, Lincoln and Guba's approach was used including credibility, transferability, dependability, and conformability.

Findings: paradigmatic model was as causes (necessity, objectives), underlying conditions (time , space, materials, and resources), intervening conditions (organizational factors, implicit learning), axial (content), strategies (teacher role, teaching-learning techniques, evaluation), and outcomes (knowledge, skills, attitudes). In order to provide validity and reliability, Lincoln and Guba's approach was used including credibility, transferability, dependability, and conformability.

Conclusion: some guidelines were presented for the implementation of curriculum based on the findings and the obtained results.

Keywords: Sexual education curriculum, curriculum model, integrated approach, grounded theory

طراحی الگوی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه: مدلی برآمده از نظریه داده بنیاد

زهرة قلاوند^۱

^۱ *عضو هیات علمی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

*نویسنده مسئول: zohreh.ghalavand@pnu.ac.ir

چکیده
<p>زمینه و اهداف: هدف اصلی این پژوهش، طراحی الگوی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه نظام آموزشی بود.</p>
<p>روش ها: این پژوهش از نوع پژوهش های کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه صاحب نظران و متخصصان در زمینه تربیت جنسی بود که با روش نمونه گیری هدفمند، از نوع گلوله برفی در مجموع ۱۵ نفر برای مصاحبه انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد که در قالب مدل پارادایمی و مدل مفهومی ارائه گردیده است.</p>
<p>یافته ها: مدل پارادایمی برای یاددهی-یادگیری شامل عوامل علی (ضرورت و نیاز، اهداف)، شرایط زمینه‌ای (زمان، مکان، مواد و منابع)، شرایط مداخله‌گر (عوامل سازمانی، یادگیری ضمنی)، مقوله مرکزی (محتوا)، راهبردها (نقش معلم، روش یاددهی-یادگیری، ارزیابی) و نتایج (مولفه‌های دانش، مهارت، نگرش) است. به منظور اطمینان از روایی و پایایی این رویکرد، از روش لینکلن و گوبا شامل قابل قبول بودن، انتقال پذیری، پایایی و تأییدپذیری استفاده شده است.</p>
<p>نتیجه گیری: در پایان نیز مبنای یافته ها و نتایج بدست آمده، رهنمودهایی برای عملی شدن برنامه ارائه شده است.</p>
<p>کلمات کلیدی: برنامه درسی تربیت جنسی، الگوی برنامه درسی، رویکرد تلفیقی، نظریه داده بنیاد</p>

مقدمه

مفهوم تربیت به معنای خاص، استفاده از این کلمه برای مقاصد خاص است که عمدتاً به صورت صفت و قید بیان می شود، مانند تربیت جنسی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی و... به نظر می رسد استفاده از واژه تربیت برای اهداف ویژه یکی از کاربردهای جدید این کلمه است. آموزش در کاربردهای خاص دامنه معنایی آن را محدود می کند و دستیابی به معنای آن را آسان تر می کند و در واقع به آن وضوح می بخشد. از جمله کاربردهای ویژه مفهوم تربیت، تربیت جنسی است که موضوع اصلی و قابل بحث در این پژوهش است.

آموزش در این بعد شامل آن دسته از عادات، دارایی ها و روش های انسانی است که به غریزه جنسی بستگی دارد. که ناخودآگاه دو جنس مخالف را به سمت یکدیگر سوق می دهد (یاری دهنوی و ابراهیمی شاه آبادی، ۱۳۹۴). این غریزه به دلیل شرایط سنی و زندگی در طول زمان دستخوش تغییراتی شده است و در صورت عدم کنترل و مهار آن، احتمال کشیده شدن فرد به سمت انحراف و از دست دادن سلامت جسمی و روانی وجود دارد. بنابراین آگاهی از مسائل جنسی ضروری است و باعث تغییراتی در زندگی انسان می شود. عدم آگاهی جنسی یا اطلاعات نادرست نیز باعث ایجاد اختلالات جنسی در افراد می شود (سلیمی و فاتحی زاده، ۱۳۹۱).

تربیت جنسی فرآیند کسب دانش و آگاهی مربوط به جنسیت و نوع است تا فرد بتواند مسئولیت تصمیمات و رفتارهای جنسی را در تمام سنین و مراحل زندگی به عهده بگیرد (ایزر^۱، ۲۰۰۸). سازمان جهانی بهداشت، آموزش جنسی را یک ضرورت برای سلامت جنسی می داند و تقریباً از آموزش جنسی و سلامت جنسی استفاده می کند. طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت جنسی عبارت است از هماهنگی بین ذهن، عاطفه و بدن که جنبه های اجتماعی و عقلانی فرد را در مسیر ارتقای شخصیت، ایجاد روابط و عشق و هر گونه اختلال قرار می دهد. منجر به ناهماهنگی می شود و در نتیجه نارضایتی از رابطه جنسی می تواند منجر به اختلال عملکرد جنسی شود. (به نقل از ناز^۲، ۲۰۱۴). منظور از تربیت جنسی، پرورش مهارت های لازم افراد به منظور تعامل با نیازهای درونی و کسب مهارت های لازم برای برقراری ارتباط با جنس مخالف است. البته تربیت جنسی تنها انتقال اطلاعات و تربیت جنسی نیست، بلکه هدف اصلی این نوع آموزش، توانمندسازی فرد با ایجاد بستر مناسب برای هدایت صحیح غریزه جنسی و مدیریت رفتار جنسی در چارچوب اعتدال و هماهنگی با هدف خلقت و در عین حال نرم و هنجارهای جامعه مطلوب است (مستوفی و همکاران، ۱۳۹۴).

تیفانی جونز^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقی چهار رویکرد اصلی را در آموزش جنسی معرفی کرد. طبق اعتقاد وی، این چهار رویکرد یا گرایش عبارتند از: آموزش جنسی محافظه کارانه، آموزش جنسی لیبرال، آموزش جنسی انتقادی و آموزش جنسی پست مدرن.

الف- رویکرد محافظه کار: این رویکرد تربیتی بر تأکید انتقال ارزش های جنسی غالب به مربیان تمرکز دارد. در این رویکرد، چارچوب و استخوان بندی تمایلات جنسی اغلب به صورت پیشینی و توسط یک قدرت مرجع خارجی تعیین می شود. بر اساس این رویکرد، خواه نظم طبیعی حاکم بر جهان باشد و خداوند قادر مطلق باشد، یا سیاست و فرهنگ، قدرت اصلی را تشکیل می دهد. تأکید بر نقش زن و مرد و پرورش آنها، زهد اخلاقی و

¹ Eser

² Naz , R

³ Tiffany Jones

دستورات دینی از مؤلفه‌های اساسی این رویکرد تربیتی است. در این رویکرد، بسیار بر دوگانگی روح و بدن تأکید شده است و بدن به عنوان عاملی اغواکننده و وسوسه‌انگیز روح را از مسیر درست منحرف می‌کند و میل جنسی در این روند نقش ویژه ای دارد.

(ب) - رویکرد لیبرال: مفهوم اساسی در این رویکرد ایجاد زمینه‌هایی برای فردیت و علایق شخصی است. این رویکرد تأکید زیادی بر بهبود شرایط انتخاب فرد دارد. در تربیت و آموزش باید به علایق و خواسته‌های فرد توجه شود. در این رویکرد موضوعاتی مانند آناتومی جنسی، تولید مثل، روش‌های پیگیری بارداری، روش‌های پرهیز جنسی، بیماری‌های مقاربتی، گسترش و حفظ روابط جنسی، خودارضایی، همجنس‌گرایی مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد هیچ صحبتی از گناه یا محدودیت اخلاقی و دینی در زمینه مسائل جنسی نیست. مفهوم کلیدی این رویکرد «سکس ایمن» یا «سکس ایمن» است.

(ج) - رویکرد انتقادی: محور اساسی این گرایش ایجاد عدالت و برابری در جامعه است. این روند تمایل به ایجاد شرایطی دارد که صدای "گروه‌های به حاشیه رانده شده" شنیده شود. یکی از این گروه‌ها اقلیت‌های جنسی مانند همجنس‌گرایان و دوجنس‌گرایان هستند

(د) - رویکرد پست مدرن: در این دیدگاه وجود هر حقیقتی فراتر از فرهنگ نفی می‌شود و هر حقیقتی را می‌توان در چارچوب نظم فرهنگی-تاریخی مشخصی درک کرد. این رویکرد جدیدترین رویکرد است و شامل تحلیل مفهوم حقیقت، اقتدار و واقعیت است. چارچوب‌ها و موقعیت‌های مختلف برای جنسیت، تمایلات جنسی و تمایلات جنسی بررسی می‌شوند. از جمله گرایش‌های مطرح شده در این رویکرد توسط جونز می‌توان به «روبن‌گرایی» و «آموزش چند فرهنگی» اشاره کرد.

لذا رویکرد محافظه‌کارانه بیشتر متأثر از فلسفه‌ای است که به‌عنوان نگاه بدبینانه به میل جنسی مطرح می‌شود و گرایش‌های لیبرال، انتقادی و پست مدرن به فلسفه جنسیت خوش‌بین‌تر هستند. بر این اساس، روند محافظه‌کارانه در آموزش جنسی را باید رویکردی منفی دانست، زیرا در این روند، بیشترین تمایل به محدود کردن ارضای میل جنسی دیده می‌شود و باید به گرایش لیبرال، انتقادی و پست مدرن در آموزش جنسی توجه کرد. به عنوان رویکرد مثبت، زیرا در اشکال مختلف رضایت به جنسیت توجه می‌کنند و با توجیحات مختلف به آن‌ها می‌پردازند.

از سوی دیگر، تحقیقات انجام شده توسط کنتولز^۱ (۲۰۱۰) نشان داده است که آموزش جنسی تأثیرات مثبتی بر رفتار جنسی دانش‌آموزان دارد. همچنین بریگز (۲۰۰۹) به تأثیرات مثبت برنامه‌های آموزشی تربیت جنسی در افزایش توانایی‌ها و رفتارهای مراقبتی دانش‌آموزان دبیرستانی و نیز تأثیرات سازنده این برنامه‌ها بر رشد دانش، آگاهی، نظام ارزشی و نگرش دانش‌آموزان اشاره کرد. دانش‌آموزان مدرسه و تأکید کرد. گارلند (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان موانع اختلال سلامت جنسی و عدالت اجتماعی در برنامه درسی آموزش جنسی نیوزلند به این نکته اشاره می‌کند که این آموزش نیازهای دانش‌آموزان مختلف را برآورده می‌کند و آن‌ها را به عنوان پایه ای ممکن برای عدالت اجتماعی در نظر می‌گیرد. علاوه بر این جیلیام و همکاران^۲ (۲۰۱۶) بیان کرد دانش‌آموزان علاقه بیش تری به درک عمیق مسایل مرتبط با تربیت جنسی را در خود نشان دادند و نیز آن‌ها علاقه

¹ kontuls

² Gilliam & et al

بیش تری به درک عمیق مسایل مرتبط با این حوزه را در خود یافتند. همچنین نتایج مکلا و سلینس^۱ (۲۰۲۰) نشان دادند که آموزش آنلاین بیشترین پتانسیل را برای کمک به نیازهای جنسی و بهداشتی در نوجوانان را دارد. آچورا، توپایاگال-تشنوئاگا، اکپور، ماش الا^۲ (۲۰۲۰) بیان کردند ادغام برنامه آموزش جنسی در برنامه درسی رسمی مدارس حیاتی است. برای موفقیت آموزش جنسی در بین نوجوانان تلاش مشترک معلمان، رهبران جامعه، نوجوانان، مربیان بهداشت و والدین لازم است.

این در حالی است که در نظام رسمی و غیر رسمی تعلیم و تربیت ایران با وجود ارزش و اهمیت تربیت جنسی، برنامه مدونی برای آن وجود ندارد و در پژوهش های مبردی؛ فراهانی و حسن پورارغذی (۱۳۹۴)؛ جابرزاده، (۱۳۹۴)؛ رضوانی مهلبانی (۱۳۹۳)؛ بامری و سالاری زایی (۱۳۹۷)؛ معصومی (۱۳۹۱)؛ بیگی، فقیهی و ناطقی (۱۳۹۶)؛ محمدی (۱۳۹۰)؛ احمدی (۱۳۹۱) و انصاری (۱۳۹۴) علیرغم پژوهشها و تأکیدات به یک ضرورت مغفول تبدیل شده است (خانی پور و همکارانش، ۱۴۰۰، شفیع پورورای و یاری دهنوی، ۱۳۹۴؛ افشارکهن، ۱۳۹۴؛ عابدینی و همکارانش، ۱۳۹۵) در پژوهش های انجام شده توسط فرمهبینی فراهانی (۱۳۸۴) و امیریان زاده، محمدی و امیریان زاده (۱۳۸۶) مشاهده می شود که نظام آموزشی و پرورش وظیفه خود را به خوبی انجام نمی دهد. در حالی که با وجود تأکیدات دینی، علمی، اجتماعی و فرهنگی، نیر برنامه درسی راه را برای ورود مباحث تربیت جنسی هموار نکرده و این مسئله مغفول مانده است. تربیت در این زمینه با سکوت نظام آموزشی واگذار شده و به سایر رسانه ها از جمله ماهواره، اینترنت، فضای مجازی و رمان ها منتقل شده است (طهماسب زاده و شیخلار، ۱۳۸۸). همچنین، در کتب درسی به طور مناسب به بحث درباره تربیت جنسی پرداخته نشده است (نصر اصفهانی و همکارانش، ۱۳۸۵). به همین دلیل، برنامه درسی تربیت جنسی به یکی از مؤلفه های پوچ برنامه درسی تبدیل شده است. (ابراهیمی هرستانی و لیاقتداری، ۱۳۹۴؛ مهرا، ۱۳۸۶).

بنابراین می توان بیان داشت در کشورمان کلی گویی، نبود انسجام و غفلت از توجه به مفاهیم مهم از جمله کاستی های پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است. لذا با توجه به اینکه تاکنون هیچ مدل برنامه درسی در رابطه با تربیت جنسی طراحی نشده است، این پژوهش می تواند نقطه شروعی برای نظام آموزشی در زمینه تربیت جنسی و توسعه برنامه درسی تربیت جنسی به ویژه در مقطع متوسطه باشد. . نظام آموزشی ایران باید نقش مهمی ایفا کند. همچنین از بعد عملی پرداختن به تربیت جنسی می تواند زمینه و زمینه های لازم را برای پیشگیری و مقابله اساسی با انواع بیماری های جسمی، اختلالات روانی-روانی و انحرافات ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی فراهم کند و علاوه بر آن موجب صرفه جویی می شود. . شامل بسیاری از هزینه هایی است که سالانه و به طرق مختلف توسط دولت و نهادهای مرتبط برای مبارزه با انحرافات و ناهنجاری های مختلف پرداخت می شود. از این رو، هدف کلی این پژوهش، یک مطالعه اکتشافی به منظور بررسی و کشف عناصر اصلی برنامه درسی تربیت جنسی در سال اول متوسطه در نظام آموزشی ایران به منظور طراحی الگو می باشد. رابطه جنسی نیز در نظر گرفته می شود. در این راستا باید توجه داشت که مدل پارادایم یک چارچوب ساختاری خاص است که در مرحله کدگذاری مرکزی نظریه تجسم داده ها مورد استفاده قرار می گیرد و روابط بین شرایط علی، مقوله مرکزی، استراتژی ها، زمینه، شرایط مداخله گر و پیامدها را نشان می دهد. (کرسول^۳

¹ Mckellar & Sillence

² Achora, Thupayagale-Tshweneagae, Akpor & Mashalla

³ Creswell

۲۰۱۴). بعلاوه، مدل مفهومی که از فرآیند تحلیل کیفی حاصل شده است، روابط بین مقوله‌های اصلی را نمایش می‌دهد که بر اساس تجربیات محقق و درک فرآیند تحقیق طراحی شده است. با توجه به اهدافی که ذکر شده، می‌توان سوالات زیر را مطرح کرد:

مدل پارادامی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه نظام آموزشی ایران بر اساس طرح نظامند داده بیناد کدام است؟

مدل مفهومی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه نظام آموزشی چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نظریه داده های بنیادی به عنوان یکی از روش های پیشنهادی در پژوهش کیفی انجام شده است. این روش که بنیانگذاران آن گلیرز و اشتراوس^۱ هستند، مبتنی بر نوعی استقرا است که از طریق داده های حاصل از تحقیق، نظریه تولید می کند. در این روش، جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها و نظریه ممکن نهایبی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و محقق به جای فرض نظریه با ورود به حوزه مطالعه، به داده ها اجازه می دهد تا نظریه ایجاد کنند. (اشتراوس و کوربین ۲، ۱۹۹۸).

در نظریه داده های بنیادی، محقق باید مواردی را انتخاب کند که به او در ساختن نظریه کمک کند. معیارهای انتخاب شرکت کنندگان در این روش متأثر از طراحی و هدف تحقیق است. از آنجایی که هدف تحقیق، کشف و کشف عناصر اصلی برنامه درسی تربیت جنسی است، در این بین، محقق به دنبال افرادی بود که همگی تجربه مشترکی در موضوع تحقیق داشته باشند تا بتوانند بیشترین اطلاعات را در اختیار محقق قرار دهند. به منظور جمع آوری توضیحات غنی در مورد تحقیق. . از این نظر روش انتخاب آنها در نوع گلوله برفی هدفمند بوده است تا از طریق افراد منتخب برای ساخت نظریه به درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه دست یابد. بنابراین برای انتخاب شرکت کنندگان دو معیار به شرح زیر اتخاذ شد و لازم بود یکی از این دو شرط وجود داشته باشد:

تخصص علمی: افرادی که در زمینه تربیت جنسی اطلاعات کافی دارند. یعنی در رابطه با موضوع تربیت جنسی در یک مقاله یا پروژه تحقیقاتی اقدام کرده است؛ یا تحصیلات آکادمیک در این زمینه داشته باشند. تجربه عملی: افرادی که با موضوع تربیت جنسی آشنایی دارند و همچنین حداقل سابقه تدریس در این زمینه تخصصی دارند.

برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته نیز استفاده شد. روش انتخاب و انجام مصاحبه به این صورت بود که ابتدا کارشناسان مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شدند. این افراد از گروه کارشناسان موضوعی، اساتید دانشگاه در رشته برنامه ریزی درسی و مولفان کتب درسی دوره اول متوسطه بودند. سپس محقق با افراد مذکور تماس گرفت و پس از معرفی خود و شرح مختصری از موضوع و روش تحقیق و دلیل انتخاب آنها، پس از کسب رضایت آنان برای شرکت در این پژوهش، زمان مصاحبه را پیشنهاد کردند.

راهنمای و چارچوب موضوع تحقیق قبل از انجام مصاحبه برای ایشان ارسال شد تا فرصت تأمل در موضوع و نحوه انجام مصاحبه را داشته باشند. و در نهایت سایر مصاحبه ها نیز به همین ترتیب توسط کارشناسان دیگر انتخاب شده توسط کارشناسان در مرحله اول انتخاب نمونه معرفی شدند.

اطلاعات این تحقیق از طریق مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان موضوعی به حد اشباع رسید. همچنین حداقل زمان مصاحبه ۳۵ دقیقه و حداکثر ۷۵ دقیقه بود.

¹ Glaser & Strauss

² Corbin

فرایند تحلیل داده های حاصل از متن مصاحبه ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده بنیاد، هم زمان با جمع آوری داده ها و به صورت دستی، طی سه مرحله مطابق نظریه داده بنیاد به شکل: الف) کدگذاری باز^۱؛ ب) کدگذاری محوری^۲ و ج) کدگذاری انتخابی^۳ بود (اشتراوس و کوربین^۴، ۱۹۹۸).

الف) کدگذاری باز: در پژوهش حاضر، متن مصاحبه های ضبط شده پس از اجرا با استفاده از کدهای زنده، علامت گذاری و ایده های تکراری شناسایی شد. مفهوم سازی و دسته بندی و سپس بر اساس شباهت، ارتباط مفهومی و ویژگی های مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقوله ها (یک دسته از مفاهیم) شناسایی شد.

ب) کدگذاری محوری: با توجه به نقش مفاهیم به دست آمده در تبیین رویکرد برنامه آموزش جنسی، این مفاهیم طبقه بندی شده و به لحاظ نظری در قالب یک الگوی پارادایم در قالب های: شرایط علی، مقوله مرکزی، راهبردها، زمینه، طبقه بندی می شوند. ، شرایط و پیامدهای مداخله گر. مرتبط بودند

پ) کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه پردازی): در این مرحله با توجه به مفاهیم و کدهای شناسایی شده، گزینش نهایی انجام شد و محقق پس از جمع و تطهیر تحلیل خود، به پیدایش مقوله اصلی رسید. در این مرحله دسته بندی ها به گونه ای انتخاب می شوند که مقوله اصلی استخراج شده بیشتر مفاهیمی را که در مراحل قبل به وجود آمده اند پوشش می دهد.

از مطالعه لینکلن و گوبا^۵ (۱۹۸۵) برای ارائه روایی و پایایی استفاده شد که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است. برای این منظور بر اساس این روش، چهار معیار مقبولیت، قابلیت انتقال، پایایی و تایید پذیری برای ارزیابی در نظر گرفته شد. در این زمینه برای دستیابی به هر یک از این معیارها اقدامات زیر انجام شد: مقبول بودن^۶: معقول بودن و معنای یافته ها و صرف زمان کافی برای آگاهی از فرهنگ و درک مسائل مربوط به سوالات تحقیق است. این اصل به دو صورت اعمال شد:

اختصاص زمان طولانی برای مطالعه منابع موثق و در دسترس از ابعاد و دیدگاه های مختلف موضوع تحقیق. در تمامی مصاحبه ها، محقق چارچوب موضوعی مصاحبه را رعایت کرده و سعی می کند جستجوگر و جمع آوری متعهد و دقیقی برای داده های مصاحبه باشد.

انتقال پذیری^۷: برای این منظور از سه روش استفاده شد: ۱. مراحل تحلیل داده های مصاحبه سه بار تکرار شد. ۲. داده های هر مرحله مقایسه و بررسی شد تا اطمینان حاصل شود که مراحل تجزیه و تحلیل بدون سوگیری و سهل انگاری انجام شده است. ۳. نظرات اصلاحی و تایید چند تن از کارشناسان و چند تن از اعضای هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء(س) که در این تحقیق شرکت نکرده بودند، در خصوص یافته های تحقیق دریافت شد.

¹ Open Coding

² Axial Coding

³ Selective Coding

⁴ Strauss & Corbin

⁵ Lincoln & Guba

⁶ Credibility

⁷ Transferability

اطمینان‌پذیری^۱ در این رابطه در تمامی مراحل تحقیق یادداشت برداری انجام شده است و بسیاری از جزئیات کار و تجزیه و تحلیل تا مرحله نهایی و پایانی کار برای اطمینان از نتایج به دست آمده و همچنین بررسی و بررسی سایر محققان تایید‌پذیری: در این رابطه کلیه اسناد مربوط به تحقیق حفظ شده است.

یافته‌ها

برای پاسخ به سؤالات پژوهش، داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نمونه پژوهش با استفاده از کدگذاری باز، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابتدا، فرآیند کدگذاری باز بر روی داده‌های کیفی جمع‌آوری شده، به استخراج تعداد زیادی ویژگی و مفاهیم منجر شد که بر اساس شباهت‌ها و اشتراکات مفاهیم، کاهش و دسته‌بندی شدند. در ادامه، این ویژگی‌ها و مفاهیم به زیرمجموعه‌ها تقسیم شدند که در نهایت، دسته‌بندی اصلی از این زیرمجموعه‌ها ایجاد شد. در جدولی که به دست آمده از فرآیند اجرای کدگذاری، یافته‌های به دست آمده نشان داده شده است. به دلیل کثرت مفاهیم و ویژگی‌ها، نمونه‌هایی از آنها در اینجا ارائه شده است.

پس از فرآیند کدگذاری باز، یافته‌های تحقیق در قالب ابعاد الگوی کدگذاری محوری (شکل) شامل شرایط علی: به عنوان عامل اصلی ایجاد پدیده مورد مطالعه؛ مقوله محوری: به عنوان حادثه یا رویداد اصلی که یک سری فعل و انفعالات برای کنترل یا مدیریت آن وجود دارد و مربوط به آن است. راهبردها: به عنوان اقدامات خاصی که از پدیده مرکزی منتهی می‌شود و روش‌هایی را برای مقابله با پدیده مورد مطالعه ارائه می‌دهد. زمینه: به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص که در آن تعامل برای کنترل، مدیریت و پاسخ به پدیده انجام می‌شود. شرایط مداخله‌گر: به عنوان شرایط پیش‌زمینه عمومی که بر استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارد. و پیامدها: به عنوان خروجی از بکارگیری راهبردها (استراس و کوربین، ۱۹۹۸)، با توجه به مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به هر بخش، نحوه طراحی برنامه درسی تربیت جنسی را منعکس می‌کنند. این فرآیند به همراه جدول (۱) تحت عنوان کدگذاری محوری ارائه شده است.

¹ Dependability

جدول (۱): یافته های مستخرج از فرایند کدگذاری باز و مقوله های کدگذاری محوری

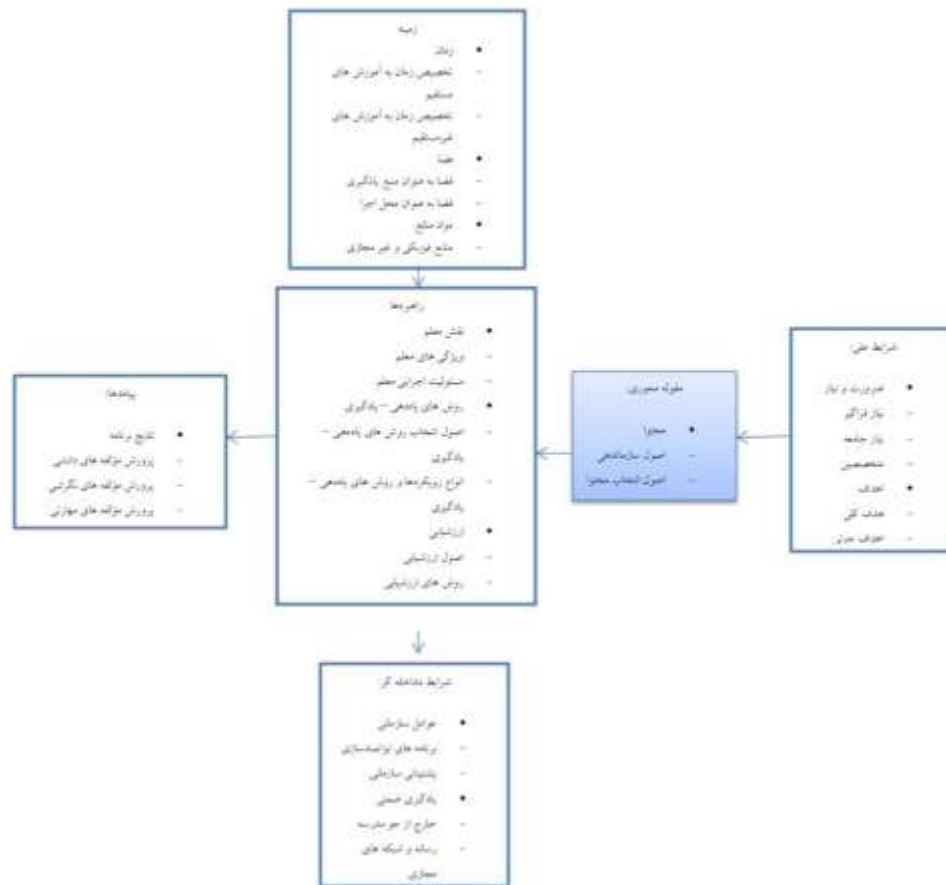
کد گذاری محوری	کدگذاری باز	مقوله اصلی	مقوله های فرعی، مفاهیم و ویژگی ها
شرایط علی	۱. ضرورت و نیاز	<ul style="list-style-type: none"> نیازهای فرد: امر جنسی جزئی از وجود و حقیقت انسان و نیازمند هدایت صحیح است. اغلب نوجوانان با مدیریت امور جنسی آشنا نیستند. نیازهای جامعه: برای حفظ سلامت فردی، روانی، اخلاقی، اجتماعی جامعه و همچنین برای جلوگیری از آسیب های جنسی و اجتماعی جامعه 	
مقوله محوری	۲. اهداف	<ul style="list-style-type: none"> اهداف کلی: تدارک دانش، مهارت و نگرش لازم جهت هدایت صحیح امور جنسی در خود در خانواده و اجتماعی اهداف جزئی: نظیر شناخت مسائل مربوط به ماهیت و هویت خود، مسائل قبل از ازدواج، بلوغ، آسیب های اجتماعی، پیشگیری از آسیب های اجتماعی، آشنایی با شبکه های مجازی 	
راهبردها	روش های یاددهی - یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> اصول انتخاب محتوا: نظیر همخوانی محتوا با ارزش ها، واقعیت های اجتماعی و فرهنگی، اعتبار، قابلیت یادگیری، علاقه فراگیر؛ فراهم کردن زمینه لازم برای آموزش موضوعاتی نظیر خویشتن داری، هویت جنسی، بلوغ، فهم درست روابط و ارتباطات اصول سازماندهی محتوا: مانند در نظر گرفتن ارتباط عمودی و افقی در طراحی محتوا؛ توجه به گستردگی مفاهیم و موضوعات در ارائه محتوا 	
		<ul style="list-style-type: none"> اصول انتخاب روش های یاددهی یادگیری: تناسب با نظام ارزشی، تناسب با سن فراگیر، تقویت مهارت های پرسشگری فعال انواع رویکردها و روش های یاددهی یادگیری: کارآگاهی آموزشی، سخنرانی افراد صاحب نظر، بازدید از مراکز اجتماعی، نشست های صمیمانه، پرسش و پاسخ، اسوه گزینی، بحث آزاد در زمینه تربیت جنسی 	

	نقش معلم	<p>ویژگی های معلم: پایبند بودن به اصول اخلاقی و آگاه بودن معلمان نسبت مباحث و موضوعات؛ داشتن روابط اجتماعی جهت برقراری ارتباط با دانش آموزان، و ایمان و رسالت معلمی</p> <p>مسئولیت اجرایی معلم: نظیر ایجاد جوی صمیمی برای ارتباط مؤثر، اعتماد متقابل و تقویت خویشتن داری فراگیران؛ توجه به نیازهای فراگیران به یادگیری مسائل جنسی</p>
	ارزشیابی	<p>اصول ارزشیابی: نظیر متنوع و ترکیبی بودن ارزشیابی؛ جامع بودن ارزشیابی و توجه به تمامی فعالیت ها، رفتارها، مهارت ها، نگرش و عملکرد فراگیران، روی آوردن به خبرگی و نقادی</p> <p>روش ارزشیابی: مشاهده عملکرد رفتاری فراگیر، ارزشیابی چند جانبه توسط معلم، والدین</p>
	مواد و منابع	<p>منابع فیزیکی یا غیر مجازی: نظیر فیلم های آموزشی، برشورهای آموزشی، بازدید از مراکز اجتماعی، کتاب های راهنمای معلم، کتابهای کمک آموزشی</p> <p>منابع مجازی: منابع اینترنتی شامل کانال اجتماعی، شبکه های مجازی</p>
زمینه	فضا	<p>فضا به عنوان منبع یادگیری: نظیر استفاده از تصویر در مدارس؛ وجود کتابخانه مجهز برای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی</p> <p>فضا به عنوان محل اجرا: نظیر نحوه چیدمان کلاس درس برای ارتباط چشمی مؤثر و صمیمی بین مدرس و فراگیر</p>
	زمان	<p>تخصیص زمان به آموزش های مستقیم و غیر مستقیم: نظیر تخصیص زمان لازم در خصوص مباحث بلوغ، بهداشت فردی، خویشتن داری؛ تخصیص زمان جهت افزایش مهارت نه گفتن، مهارت چگونگی محافظت از اندام های جنسی</p>
مداخله گر	عوامل سازمانی	<p>برنامه های توانمندسازی: نظیر برنامه های آموزشی ضمن خدمت توسط متخصصین و صاحب نظران تربیت جنسی برای معلمان؛ شرکت دادن معلمان در همایش و سمینارهای مربوطه</p> <p>پشتیبانی سازمانی: نظیر حمایت مدیران ارشد برای تولید محتوای مناسب و مطلوب؛ حمایت مدیران ارشد به منظور اجرایی کردن برنامه ها و رفع نواقص</p>

<p>خارج از جو مدرسه: نظیر یادگیری ضمنی در محیط خانواده و گروه همسالان، جو فرهنگی تربیتی اجتماع و تأثیرات ضمنی آن بر یادگیری</p> <p>- شبکه های مجازی؛ کانال های مجازی نظیر کانال تلگرامی، اینستاگرام، واتساب</p> <p>جو مدرسه: نظیر یادگیری در محیط مدرسه؛ جو کلاس درس و تأثیر آن بر یادگیری؛ تعاملات بین دانش آموزان و معلم و تأثیر آن بر یادگیری</p>	یادگیری ضمنی	
--	--------------	--

<p>پرورش مؤلفه های دانشی فراگیر: حوزه شناختی یا دانشی: نظیرشناخت ماهیت و هویت تربیت جنسی خود؛ شناخت مسائل مربوط ازدواج که شامل آشنایی با مسائل؛ بلوغ، آشنایی با آسیب های اجتماعی، پیشگیری و درمان آسیب های اجتماعی، آموزش آشنایی با شبکه های مجازی</p> <p>پرورش مؤلفه های حوزه نگرشی یا بینشی: نظیردرک ، پذیرش و احترام به جنس خود، درک ارزش و اهمیت نقش بنیادین تنوع در جنسیت، احترام و پذیرش ملیت و هویت جنسی خود، احترام به دیگران به عنوان فرد انسانی در قالب جنس خاص، احترام به سنت الهی در مورد ازدواج، درک ارزش های خانواده در مورد ازدواج، ارزش قائل شدن برای سنت های ازدواج با توجه به فرهنگ جامعه، ارزش دادن به عفت و پاکدامنی، درک حد تعادل و دوری از افراط و تفریط در برخورداری از امیال</p> <p>، درک هدف اصلی ازدواج در نهاد انسانها آرامش، مودت و حفظ حیات بشر، درک آفرینش هدفمند مبتنی بر تفاوت های جنسی در افراد و کشش درونی و فطری به جنس مخالف، ارزشمند بودن ابعاد روحانی و معنوی ازدواج ، درک تفاوت های جنسی و جنسیتی، درک تفاوت فیزیولوژی و روحی و روانی در دختر و پسر، ارزش قائل شدن برای بهداشت فردی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به تغییرات فیزیولوژیکی دوران بلوغ، ایجاد علاقه نسبت احکام شرعی دوران بلوغ</p> <p>پرورش مؤلفه حوزه مهارتی: نظیرمهارت برقراری ارتباط با دیگران، مهارت نه گفتن، افزایش اعتماد به نفس و خودباوری، آموزش تکنیک های کنترل احساسات و هیجانات، مهارت برقراری ارتباط با محرم و نامحرم، مهارت ترک عادت، مهارت انتخاب فرد مناسب برای پاسخ به سؤالات جنسی، دارا بودن مهارت حفاظت از خود در مواقع خطرزا، مهارت در شناخت خویشتن و رسیدن به خودآگاهی و خودشناسی، افزایش توانایی های مشارکت در امور اجتماعی جامعه مانند امر به معروف و نهی از منکر و کاهش انحرافات جنسی، مهارت شناسایی موقعیت های خطرزا</p>	نتایج برنامه	نام
--	--------------	-----

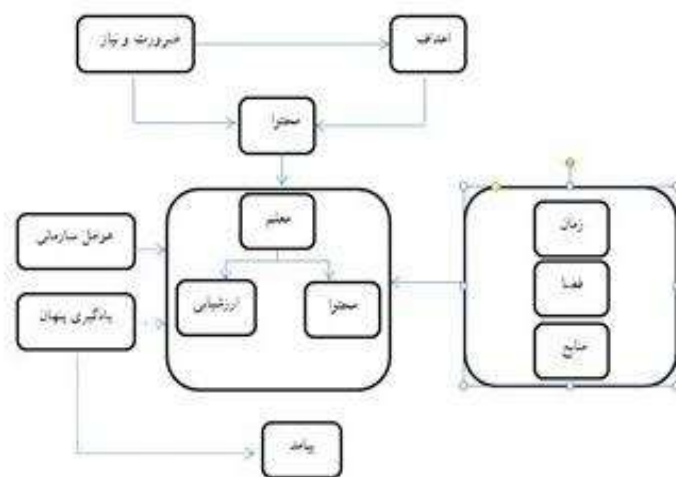
پس از مصاحبه با متخصصین و کارشناسان سازمان کتب درسی و افراد صاحب نظر در زمینه برنامه درسی تربیت جنسی و انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری همان طور که در شکل (۱) مشاهده می کنید، مدل پارادایمی برنامه درسی تربیت جنسی ترسیم شد، که در آن روابط بین شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها مشهود است.



شکل (۱): مدل پارادایمی درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه (بر اساس طرح نظامند داده بنیاد)

در ادامه با استفاده از فرآیند کدگذاری انتخابی (مرحله پایانی کدگذاری در نظریه داده بنیاد)، مدل مفهومی نهایی آموزش جنسی در نظام آموزش متوسطه ایران طراحی شد. در این مرحله نظریه پرداز داده های بنیاد (پژوهشگر) بر اساس درک خود از متن پدیده مورد مطالعه، در قالب پالایش مدل پارادایمیک مرحله کدگذاری محوری و ارائه روابط ضمنی بین مقوله های موجود در مدل، توسعه می یابد. نظریه او درباره پدیده مرکزی در قالب یک مجموعه گزاره ها یا گزاره های فرعی را ارائه می دهد (Creswell, 2014). در این راستا محقق بر اساس تجربیات و درک خود از پدیده محوری الگوی پارادایماتیک کدگذاری مرکزی (یعنی محتوا)، الهام از

ادبیات نظری موجود و مصاحبه مجدد با موضوع تحقیق و دریافت نظرات اصلاحی کارشناسان موضوعی و اساتید دانشگاه. انجام داد پس از تهیه مدل نهایی و در راستای اعتبارسنجی آن، همانطور که گفته شد، از نظرات ۱۰ نفر از اساتید دانشگاه و ۵ نفر از کارشناسان خبره نیز استفاده شد و مدل مذکور مورد تایید این افراد قرار گرفت. شکل (۲) مدل مفهومی نهایی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره راهنمایی نظام آموزشی ایران را بر اساس کدگذاری انتخابی نشان می دهد.



شکل (۲): مدل مفهومی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه

برای پاسخ به سؤالات پژوهش، داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نمونه پژوهش با استفاده از کدگذاری باز، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابتدا، فرآیند کدگذاری باز بر روی داده‌های کیفی جمع‌آوری شده، به استخراج تعداد زیادی ویژگی و مفاهیم منجر شد که بر اساس شباهت‌ها و اشتراکات مفاهیم، کاهش و دسته‌بندی شدند. در ادامه، این ویژگی‌ها و مفاهیم به زیرمجموعه‌ها تقسیم شدند که در نهایت، دسته‌بندی اصلی از این زیرمجموعه‌ها ایجاد شد. در جدولی که به دست آمده از فرآیند اجرای کدگذاری، یافته‌های به دست آمده نشان داده شده است. به دلیل کثرت مفاهیم و ویژگی‌ها، نمونه‌هایی از آنها در اینجا ارائه شده است.

پس از فرآیند کدگذاری باز، یافته‌های تحقیق در قالب ابعاد الگوی کدگذاری محوری (شکل) شامل شرایط علی: به عنوان عامل اصلی ایجاد پدیده مورد مطالعه؛ مقوله محوری: به عنوان حادثه یا رویداد اصلی که یک سری فعل و انفعالات برای کنترل یا مدیریت آن وجود دارد و مربوط به آن است. راهبردها: به عنوان اقدامات خاصی که از پدیده مرکزی منتهی می شود و روش‌هایی را برای مقابله با پدیده مورد مطالعه ارائه می دهد. زمینه: به عنوان مجموعه ای از ویژگی‌های خاص که در آن تعامل برای کنترل، مدیریت و پاسخ به پدیده انجام می شود. شرایط مداخله‌گر: به عنوان شرایط پیش زمینه عمومی که بر استراتژی‌ها تأثیر می گذارد. و پیامدها: به عنوان خروجی از بکارگیری راهبردها (استراس و کوربین، ۱۹۹۸)، با توجه به مقوله‌های اصلی و

فرعی مربوط به هر بخش، نحوه طراحی برنامه درسی تربیت جنسی را منعکس می کنند. این فرآیند به همراه جدول (۱) تحت عنوان کدگذاری محوری ارائه شده است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، با استفاده از نظریه داده بنیاد الگوی مفهومی، سعی شد تا برنامه درسی تربیت جنسی در دوره اول متوسطه نظام آموزشی ایران طراحی شود. براساس تحلیل یافته‌ها، برنامه درسی تربیت جنسی براساس ضرورت و نیاز (نیاز فراگیر و اجتماع)، اهداف (هدف کلی و اهداف جزئی)، محتوا (اصول سازماندهی محتوا، اصول انتخاب محتوا)، روش یاددهی-یادگیری (اصول انتخاب روش یاددهی-یادگیری، انواع رویکردها و روش‌های یاددهی-یادگیری)، نقش معلم (ویژگی‌های معلم، مسئولیت اجرایی معلم)، ارزشیابی (اصول ارزشیابی، روش‌های ارزشیابی)، زمان (تخصیص زمان به آموزش‌های مستقیم، تخصیص زمان به آموزش‌های غیر مستقیم)، فضا (فضا به عنوان منبع یادگیری، فضا به عنوان محل اجرا)، منابع (منابع فیزیکی یا غیرمجازی، منابع مجازی)، عوامل سازمانی (برنامه‌های توانمندسازی، پشتیبانی سازمانی)، یادگیری ضمنی (خارج از جو مدرسه، جو مدرسه) و نتایج برنامه (پرورش مؤلفه‌های دانشی، مهارتی و نگرشی) شکل می‌گیرد. در این رابطه، بر اساس مدل مفهومی ارائه شده در بخش یافته‌های تحقیق، ضرورت و نیاز بر اهداف تأثیر می‌گذارد و محتوا نیز متأثر از ضرورت، نیاز و اهداف است. عنوان استراتژی‌ها قابل توجه است. همچنین این استراتژی‌ها تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای از جمله: زمان، مکان، مواد و منابع هستند و عوامل مداخله‌گر عبارتند از: عوامل سازمانی و یادگیری ضمنی. در این میان راهبرد نقش معلم بر راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی تأثیر دارد. در نهایت، راهبردهای فوق، پیامدها و نتایج نظری توسعه مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت جامع را به همراه دارد. البته این نتایج می‌تواند تحت تأثیر عامل یادگیری ضمنی باشد.

امروز بیش از نیمی از جمعیت جهان زیر ۲۵ سال قرار دارد و یک چهارم آنها زیر ۱۸ سال سن دارند (UNFPA، ۲۰۱۴). هشتاد و پنج درصد جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. در حال حاضر اکثریت (۶۰ درصد) جوانان در آسیا زندگی می‌کنند. اما در دهه آتی در قاره آفریقا تعداد کودکان زیر ۱۸ سال رشد بی سابقه‌ای داشته است و سهم آنها در کل جهان ۴۰ درصد تا ۲۰۵۰ در حال افزایش است. ضرورت دسترسی گسترده به آموزش جامع تربیت جنسی برای کودکان و نوجوانان نسل کنونی و آینده در آسیا و آفریقا بیشتر از همیشه است (وستنینگ و همکاران^۱، ۲۰۱۶).

بر اساس اعلام مرکز آمار جمعیت جوان (۲۹-۱۵ ساله) ایران ۲۴/۳ درصد در سال ۹۶ است که پیش بینی‌های صورت گرفته جمعیت جوان در سال ۲۰۵۰ میلادی در ایران به ۱۱/۶ میلیون نفر می‌رسد که ۱۴ درصد جمعیت را به خود اختصاص خواهد داد.

مهمترین و حساس‌ترین دوران زندگی هر انسانی دوران نوجوانی و بحران بلوغ است. بلوغ و نوجوانی که مرحله بیداری‌گریزه جنسی است، یکی از مراحل حساس زندگی انسان است که نیاز به آموزش و راهنمایی مناسب جنسی دارد. امروز بیش از هر زمان دیگری به برنامه آموزش جنسی در نظام آموزشی نیاز داریم. زیرا با پیشرفت تمدن و تکنولوژی و گسترش شبکه‌های اطلاعاتی، وسایل ارتباط جمعی جهانی و گسترش و رواج عوامل محرک جنسی، وضعیت فلاکت جنسی به وجود آمده و حیات جامعه بشری با خطر جدی مواجه شده است.

¹ Westeneng & et al

۲۰۱۵). به طور کلی، آموزش و پرورش جنسی به دلایل فردی و اجتماعی حائز اهمیت است: ۱- راهنمایی جنسی: اگر در دوره تحریک، راهنمایی لازم برای نوجوانان انجام نشود و راهنمایی مناسب نباشد، نوجوان و جوان ممکن است مطیع شوند. به احساسات جنسی خود، با کاهش اهداف عالی به دنبال راه ممکن برای ارضای جنسی هستند. ۲- نیازهای جنسی یکی از نیازهای اولیه انسانهایی است که به بلوغ جنسی رسیده اند و طبق هرم مزلو تا زمانی که مقداری (حداقل) نیازهای قبلی برآورده نشود نمی توان از انسان انتظار داشت که به سایر نیازهای خود فکر کند. ۳- از نظر روانشناسان، مشاوران خانواده و وکلا، بسیاری از ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی مانند تجاوز جنسی، جدایی و درگیری های خانوادگی از فقدان یا زیاده روی میل جنسی نشات می گیرد (اکبری، ۱۳۹۲). ۴- در جامعه ای که در حال گذار از سنت به مدرنیسم است، نگاه دختران و پسران به جنسیت در کنار سایر آموزش ها می تواند گامی موثر و کم هزینه در این گذار باشد. ۵- آگاهی از مسائل بهداشتی به روز، انواع بیماری های جسمی و روحی در حال شیوع و ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی نیاز ما را به آموزش جنسی افزایش می دهد (فرمهبینی، ۱۳۸۴) ۶- پیدایش بلوغ جنسی و جسمی اساسی. و تغییرات ذهنی در دانش آموزان سوالاتی را مطرح می کنند که در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب، آن را با همسالان خود در میان می گذارند و یا از طریق ماهواره، اینترنت و ... پاسخ خود را جستجو می کنند و ممکن است پاسخ درستی دریافت نکنند. (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۲).

مسائل یاد شده حاکی از آن است که این مشکلات ضرورت تربیت جنسی برای نوجوانان را مطرح می شود. این ضرورت ها و نیازها خود می تواند پایه ای برای تدوین اهداف برنامه درسی باشد و ما می توانیم بر اساس ضرورت و نیازهای مورد نظر به استخراج اهداف برنامه درسی تربیت جنسی اقدام کنیم. اهدافی که از ارتقا دانش، سواد تربیت جنسی دانش آموزان تا شناخت مسائل مربوط به ماهیت و هویت خود، مسائل قبل از ازدواج، بلوغ، آسیب های اجتماعی، پیشگیری از آسیب های اجتماعی، آشنایی با شبکه های مجازی را در برمی گیرد. نتایج پژوهش (گولدمن^۱، ۲۰۱۰) که هدف آماده کردن نوجوانان به عنوان شهروند مسئول، سالم و مولد تبدیل شده است همسو است بعلاوه با توجه به نتایج Crow et al (۱۳۹۵)، هدف از آموزش جنسی کمک به سلامت جنسی، سلامت انتخاب روابط سالم بین دانش آموزان و بزرگسالان است و با تحقیق، اهداف برنامه درسی آموزش جنسی پیشگیری از تهاجم فرهنگی، هدایت جنسی، حفظ عفاف، پیشگیری از تجاوز جنسی، آمادگی برای تشکیل خانواده، سلامت روان، تغییر فرهنگ مدیریت رفتار جنسی، ارائه دستورالعمل های اجرایی ویژه تربیت جنسی، افزایش دانش و مهارت معلمان مدارس، ایجاد صفات و رفتارهای جنسی سالم و رفع صفات نامناسب در دانشجویان توجه به جنبه های معنوی و معنوی مسائل جنسی (عزی زاده فاروزی و همکاران، ۱۳۸۹) ثابت است. بنابراین، توجه به هدف در این برنامه امری اساسی است؛ چرا که اگر قرار است برنامه درسی طرح ریزی شود و اگر الزامی است که کوشش هایی برای اصلاح و بهبود در آینده انجام شود، اهداف مشخص ضرورت دارند. همچنین با توجه به اهداف مورد مستخرج از نیاز، محتوای برنامه تنظیم پذیر است محتوا به عنوان مهم ترین عنصر، باید توجه خاصی به آن شود؛ در ارتباط نتایج پژوهش های مهرازم (۱۳۸۴)؛ محمدی (۱۳۹۰)؛ فرمهبینی (۱۳۸۳)؛ یاری دهنوی و ابراهیمی شاه آبادی (۱۳۹۵) بر اساس تحلیل های انجام شده، عدم توجه به محتوای برنامه درسی تربیت جنسی، به ویژه در دوره راهنمایی که بلوغ دانش آموزان است،

¹ Goldman

وجود دارد. بنابراین در این زمینه باید برنامه ریزی منسجمی به منظور تدوین و طراحی محتوای برنامه درسی تربیت جنسی انجام شود. در ادامه لازم به ذکر است که محتوا به عنوان مقوله محوری نقش تأثیرگذاری بر روش های یاددهی-یادگیری، مسئولیت اجرایی معلم و ارزشیابی دارد. همچنین زمان، مکان، مواد و منابع بستر ویژه ای را برای یادگیری و ایفای نقش معلم فراهم می کند و البته معلم نقش و تأثیر مهمی در روش های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی دارد. همانطور که بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران بر این باورند که نقش معلم در تربیت جنسی نقش بسیار ضروری است (اليسا وهمكاران، ۲۰۰۵)؛ ملیتون و همکاران (۲۰۰۱). ضمناً باید توجه داشت که معلم نقش مؤثری در یادگیری ضمنی فراگیران دارد؛ که با یک برنامه ریزی صحیح و دقیق از یادگیری ضمنی فراگیران همسو با برنامه درسی به درستی استفاده کرد. همانطور که نتایج نشان داد، مفاهیم تربیت جنسی عمدتاً در آموزش غیررسمی یا یادگیری ضمنی است و کمتر در آموزش رسمی مشاهده می شود. همچنین نقش معلم در واکنش با عوامل مداخله گر و البته با توجه به بسترهای مناسب، نتایج مثبت و در نتایج برنامه از جمله رشد مؤلفه های دانش، مهارت و نگرش فراگیران را به دنبال خواهد داشت. نتایج بیگی (۱۳۹۴) نیز گویای این امر است. در پایان با توجه به یافته های پژوهش، دستورالعمل هایی برای اجرای برنامه درسی آموزش متوسطه ارائه شده است. در این مطالعه، کدهای استخراج شده می توانند به عنوان راهنمای خوبی برای مطالعات عمیق تر و تخصصی تر درباره ابعاد جزئی برنامه درسی تربیت جنسی در دوره متوسطه به شمار آیند. همچنین، این مطالعه دو مدل مفهومی و پارادایمی را ارائه کرده است که می توان از آن ها به عنوان چارچوبی برای طراحی برنامه درسی تربیت جنسی در مقطع متوسطه استفاده کرد. مدل مفهومی که بر اساس دانش، ادراک و تجربه اکثریت شرکت کنندگان در پژوهش طراحی شده است، می تواند معیار مناسبی برای شناخت عمیق تر، مطالعات وسیع تر و ساختن برنامه درسی تربیت جنسی باشد. علاوه بر این، در این مطالعه، طیف وسیعی از عوامل زمینه ای شامل اهداف، خط مشی های آموزش و پرورش، سیستم ها، مدارس و برنامه های درسی، ظرفیت معلمان، نیازها و تنوع یادگیرندگان در نظر گرفته شده است. برای موفقیت برنامه درسی تربیت جنسی، باید به این عوامل با توجه به چارچوب وسیع اجتماعی-فرهنگی توجه خاصی داشت. برخی از این عوامل شامل تعبیه برنامه در خط مشی ها و اهداف با در نظر گرفتن بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه، تقویت آن در هر سال تحصیلی همراه با مشاوره به والدین، پشتیبانی از آموزش های تخصصی توسط صاحب نظران، استفاده از بازخورد حاصل از نظارت و فرایند ارزشیابی، مبتنی بودن بر توالی همکاری در راستای تخصصی شدن موضوعات در درازمدت، در نظر گرفتن تجدیدنظرهای دوره ای، اعمال نتایج تجدیدنظرهای انجام شده و توانمندسازی و تقویت برنامه در راستای توسعه همه جانبه است.

لذا پیشنهاد می شود با ایجاد کارگروه های مختلف و کارشناسی در ارتباط با برنامه دوره متوسطه، اهداف و محتوای کتاب های درسی دوره متوسطه به ویژه در موضوعاتی مانند دین و زندگی، مطالعات اجتماعی و مهارت های زندگی، مفاهیم و مفاهیم را در بر گیرد. مولفه های تربیت جنسی، مشمول بازنگری های اساسی شود. در این رابطه می توان از رویکردهای یکپارچه سازماندهی محتوای درس که ابزار بسیار مهمی برای طراحی برنامه درسی است استفاده کرد. با توجه به نقش مهم معلمان و والدین در اجرای برنامه های درسی، پیشنهاد می شود با برگزاری دوره های آموزشی توسط کارشناسان و صاحب نظران حوزه دانش، آگاهی و درک مفاهیم، مؤلفه ها و عناصر اصلی برنامه درسی تربیت جنسی افزایش یابد. آنها می توانند کمبودهای موجود یا مهارت

های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی خود را بهبود بخشند. همچنین مراکز و دانشگاه های متولی تربیت معلم نیز باید جهت گیری خود را در رابطه با این برنامه درسی اصلاح کنند و مفاهیم، اصول و اهداف این برنامه درسی را در اختیار معلمان و فراگیران قرار دهند. همچنین با توجه به نقش تأثیرگذار مواد و منابع آموزشی در تربیت جنسی، مدارس باید به کتابچه‌های آموزشی و کانال‌های اجتماعی تحت مدیریت معلمان مجهز شوند. در نهایت، روش های تدریس و ارزشیابی بر اساس برنامه درسی تربیت جنسی نیز از مواردی است که باید به آن توجه ویژه ای داشت، زیرا در موفقیت هر رویکردی، توجه به بخش اجرا و ارزشیابی به اندازه اهداف آن مهم است. رویکرد. در این راستا پیشنهاد می شود از رویکردهای تدریس مشارکتی و یکپارچه و همچنین مهارت های ارزشیابی چند وجهی استفاده مناسب شود.

منابع

- ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ مهram، بهروز و لیاقتدار، محمدجواد. (۱۳۹۴). واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی. پژوهش در برنامه ریزی درسی. سال دوازدهم. دوره دوم. شماره ۱۷.
- ابراهیمی، صلاح الدین؛ حاج خزیمه، مجتبی و کرمی، محمدرضا. (۱۳۹۶). امکان سنجی آموزش مهارت های بهداشت جنسی در مدارس. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی دوره دهم. شماره ۱.
- ابوالقاسمی، ناریا؛ مرقاتی خویی، عفت السادات و تقدیسی، محمدحسین. (۱۳۸۹). تبیین تربیت جنسی دانش آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. دوره ۸، شماره ۲.
- احمدی، سیده طاهره. (۱۳۹۱). نیازسنجی برنامه درسی تربیت جنسی از دیدگاه دبیران دوره متوسطه ناحیه یک آموزش و پرورش شیراز سال ۹۰-۹۱. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مردوشت.
- افشارکهن، زهرا؛ پورخزایی، سعیده و لطفی، نسرین. (۱۳۹۴). تربیت جنسی؛ برنامه درسی پوچ دوره ابتدایی. همایش ملی آموزش ابتدایی. دوره ۱.
- امیریان زاده، مژگان؛ محمدی، مهدی و امیریان زاده، مهدی. (۱۳۸۶). جایگاه آموزش و تربیت جنسی در مدارس و مراکز آموزش عالی. خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی. سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی، آذر ۸-۶. تهران.
- بامری، اسحق و سارلار زایی. (۱۳۹۷). تحلیل رابطه بین سبک زندگی و تربیت جنسی نوجوانان شهر زاهدان با نگاهی به پیش گیری از جرم. فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی. شماره ۲۹.
- جابرزاده انصاری، شقایق. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش تربیت جنسی کودکان بر افزایش دانش و نگرش جنسی مادران و دانش افزایی کودکان در پیشگیری از سوء استفاده جنسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه الزهرا.
- خانی پور، حمید؛ یغماییان، هومن؛ چیدری، هانیه و حسینی، سمانه. (۱۴۰۰). برنامه های تربیت جنسی کودکان و نوجوانان: مرور نظامند. نشریه پژوهش های تربیتی، سال هشتم شماره ۱.
- شفیعی اپورورای، نعیمه و یاری دهنوی، مراد. (۱۳۹۴). تأملی بر نقش آفرینی و رارونه متصدیان تربیت جنسی و ترسیم رسالت مطلوب هر یک از آنها از منظر مشاوران و کارشناسان دینی مدرسه. همایش خانواده و تربیت جنسی، مشهد دانشگاه فردوسی مشهد.
- طهماسب زاده، داوود و شیخلار، محمد. (۱۳۸۸). آموزش مسایل جنسی؛ بعد مغفول برنامه درسی ایران. مجموعه چکیده مقالات- پنجمین همایش مشاوره اسلامی. همایش ملی مشاور خانواده و بهداشت جنسی. اردیبهشت. تهران. انتشارات اندیشه ماندگار.
- عابدینی، الهه؛ طیبی، زهرا؛ ضیایی، پریسا و زارع زاده خیری. (۱۳۹۵). مطالعه ی کیفی تجارب مادران از آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان با تاکید بر عوامل فرهنگی. مجله ی اصول بهداشت روانی. سال ۱۸ (۴).

- فرمپینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۴). درآمدی بر تربیت جنسی در متون دینی اسلام. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد. شماره ۱۲.
- محمدبیگی، رضا؛ فقیهی، علیرضا و ناطقی، فائزه. (۱۳۹۶). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی. فصلنامه روانشناسی تربیتی. سال سیزدهم، شماره ۴۵. ص ۲۱ تا ۳۹.
- محمدجانی، صدیقه؛ یارمحمدیان، محمدحسین؛ کجیاف، محمدباقر و قلتاش، عباس. (۱۳۹۵). الگوی برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره نوجوانی بر اساس مبانی قرآن و روایت های معصومین. فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷.
- محمدی، علی. (۱۳۹۰). میزان توجه به مولفه های تربیت جنسی در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه آزاد واحد مردوشت.
- مزیدی، محمد و خدمتیان، محمد. (۱۳۹۶). ارائه الگوی تربیت جنسی با تکیه بر دیدگاه های اندیشمندان مسلمان. مستوفی، ناهید و همکاران. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش گروهی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در تربیت جنسی دختران نوجوان. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. دوره ۱۴. شماره ۳. صفحات ۵۹-۴۵.
- معصومی، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی نقش طرحواره های مادران در تربیت جنسی دختران نوجوانشان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه الزهراء.
- مهرام، یهروز. (۱۳۸۴). بررسی محتوای کتب درسی دوره راهنمایی و متوسطه از حیث تربیت جنسی. پایان نامه ارشد. دانشگاه مشهد
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها، چاپ. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- میرزایی. سودابه. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش جنسی بر افزایش خویشتن داری جنسی دانشجویان مقطع کارشناسی (دختر) دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- نصر اصفهانی، احمدرضا؛ بهجتی اردکانی، فاطمه؛ فاتحی زاده، مریم؛ محمدی، رحمت اله. (۱۳۸۵). دیدگاه دانش آموزان دبیرستانی نسبت به سهم اولیاء مدارس و کتب درسی در پرداختن به مسائل خانواده پژوهشی. سال دوم، شماره ۶.
- و.د. کوچتکف و و. مو لاپیک. (۱۳۶۹). روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان. ترجمه محمد تقی زاده. تهران. انتشارات بنیاد.
- یاری دهنوی، مراد و ابراهیمی شاه آبادی، فاطمه. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان. دوفصلنامه علمی - ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. سال چهارم. شماره ۷.
- Acharya, D., Thomas, M., Cann, R. (2020). Evaluating school-based sexual health education programme in Nepal: An outcome from a randomised controlled trial. *International Journal of Educational Research*, Vol 82.
- Bridges, E. (2009). Effective curriculum - based sex and STD/HIV education programs for adolescents, child development perspectives, 3 (1), (Available at: <http://www. Advocates for youth. Org>).
- Cora, C. B & Gerri. M. (2016). Sexuality Education for children and adolescnts. *American Academy of pediatrics*. Vol. 138(2).
- Elissa, M & et al. (2005). Teacher Belifs, Professional Preparation, and Practices Regarding Exceptional Student and Sexuality Education. *Journal of school health*. Vol.75.No.33.
- Esero, O. M. (2008). Effect of sex education programme on at - risk sexual behavior of school - going adolescents in Ilorin. *Nigeria. African Health Sciences*. Vol 8 No 2, pp 120-126.
- Garland- Levett, S.(2017). Exploring discursive barriers to sexual health and social justice in the new Zealand sexuality education curriculum. *Journal sex Education sexuality, society and learning*. Vol 17(2).
- Jones, T. (2011). A Sexuality Education Discourses Framework: Conservative, Liberal, Critical, and Postmodern. *American Journal of Sexuality Education*, 6 (2). 133-175.
- Mckellar, K., & Sillence, E.M. (2020). Sexual Health Education in and Outside of Schools and Digital Sexual Health Interventions. *ACADMIC PRESS*. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-816969-8.00003-5>
- Millton, J & et.al. (2001). Teaching Sexuality Education in high schools: what qualities do Australin teachers value. *Sex Education*, Vol 1, No. 2.

- Moffet, J. (2015). Twelve tips for flipping the classroom. *Medical Teacher*; 37(4). 331-336.
- Naz, R. (2014). Sex Education in Fiji. *Sexuality & Culture*(2014). Vol 18. 664-687.